

داستان زندگی من بنگارد تا هم نیکخواهی پادشاه و هم نام من در جهان باقی بماند.

آنگونه که از متن این زندگینامه پیداست، برزویه حکیم در پایان عمر، پزشکی را رها کرده و به عرفان و وارستگی و خداجویی روی نموده است. این داستان تا اندازه‌ای شبیه به داستان کیخسرو و شاهنامه است که وی سرانجام برای آنکه فره ایزدی از او نرود و چونان جم به بلای غرور و خودپسندی گرفتار نشود، پادشاهی را رها کرده به کوه‌ها رفت.

مقدمه‌ی برزویه‌ی حکیم در کتاب کلیله و دمنه را می‌توان دوبخش کرد: ۱ - در اخلاق پزشکی و ۲ - در رهایی از دانشهای ظاهری و روی آوردن به عرفان و جستجوی حقیقت.

در زیر بخشی از این مقدمه که در اخلاق پزشکی است، به گونه‌ی ساده شده می‌خوانید. یادآور می‌شوم که برگردان کلیله و دمنه از عربی به فارسی به خامه ابوالعالی نصرالله منشی که در قرن ششم هجری انجام شده است، متنی است دشوار و خواندن آن اندکی سخت است.

آرمان و منشور اخلاق پزشکی ایرانی

این مرام نامه می‌تواند برای پزشکان ایرانی سرلوحه‌ی خدمت به بیماران قرار گیرد و جایگزین قسم نامه بقراط گردد:

برزویه پزشک دانشمند ایرانی که در آغاز به طبابت روی آورد و سرانجام، به دنبال عرفان و خدانشناسی رفت؛ معاصر بزرگمهر وزیر خردمند انوشیروان بوده است او در حکمت، ادبیات و فن ترجمه نیز دستی داشت و از این رو مامور شد تا به هندوستان برود واز کتابهای نایاب آن جا نسخه‌ای نوشته و ترجمه نماید. او در این سفر، آنگونه که خود می‌گوید کتابهایی را از زبان هندی ترجمه و با خود به ایران آورد که از آن جمله یکی کتاب پندنامه کلیله و دمنه است.

انوشیروان از داستانهای این کتاب بسیار خوشش آمد و به برزویه گفت خزانه من در اختیار توست و او را سوگند داد که هر چه می‌خواهی از گوهر و گنج بردارد. پاسخ برزویه این حکیم دانشمند و وارسته ایرانی به شاه این بود: که ای پادشاه از رای نیک و مهربانی شما به همه چیز دست یافته‌ام؛ اما چون سوگند دادید تنها یک جامه از طراز (حریر) خوزستان برمیگیرم و همین مرا بس است! شاه گمان برد که برزویه توقع بیشتری دارد و گفت: هر چه میخواهی بدون تعارف بگو حتی اگر که می‌خواهی ترا در پادشاهی شریک گردانم؟

برزویه گفت: ای پادشاه من دیگر چیزی نمی‌خواهم، تنها بفرمایید تا بزرگمهر در آغاز کتاب کلیله و دمنه، مقدمه‌ای هم به نام و

منشور افلاق پزشکی ایرانی

فرشاد فرشید راد





۱- نخستین نعمتی که خداوند بر هر رهرو دانش بخشیده است، نیکی به پدر و مادر می‌باشد. چرا که آنان بودند که او را در این کار پرورش و یاری کردند. پس احترام و ادب والدین همواره، بر پزشک لازم است.

۲- اگرچه دانش پزشکی به نزد خردمندان در همه‌ی گیتی ستوده است؛ اما بهترین و برترین پزشکان آنانی هستند که بیماران و رنجوران را برای توشه آخرت درمان میکنند و اصل در این کار، کاستن رنج بیماران و رستگاری و ذخیره نیکی برای جهان پسین است، نه کوشش برای اندوختن پول و ثروت. چرا که مال در این راه، خود بخود بدست می‌آید و نایستی هدف پزشک فقط اندوختن ثروت باشد. مانند برزگری که هدف او در پراکندن بذر بدست آوردن دانه‌ها و خرمن گندم است؛ اما کاه و علف در کار کشاورزی، خود حاصل می‌شود.

۳- پزشک باید هر بیماری را که راه بهبودی آن را می‌شناسد، بدون استثناء درمان کند.

۴- پزشک نباید حرفه خود را به جاه طلبی بیالاید و با پزشکان دیگر در مال اندوزی و کسب شهرت و مقام، «چشم و همچشمی» و رقابت نماید و دل را به وسوسه دنیاطلبی گرفتار نماید. پس خردمند باید به رفتن از این جهان اندیشه کند تا حرص و آرزو وجود او پاک گردد.

۵- بدترین آسیب‌ها برای پزشک معاشرت با مردمان و دوستان پست و مغرور و آزمند است که او را از راه خیر و درست باز می‌دارند. ۶- پزشک باید همچون مشک و عنبر که به آتش اندازند تا عطر آن دیگران را خوش آید و سرانجام از آن سوخته‌های بر جای بماند، خود را وقف خدمتگزاری و درمان مردمان نماید.

۷- پزشک نباید به این اندیشه کند که مردم قدر زحمات او را نمی‌دانند؛ بلکه باید به این بنگرد که کسی را از رنج بیماری رهانیده و آموزش ابدی را نصیب خود گردانیده است. آری به راستی چه بهتر از اینکه پزشک، بیمارانی را که از لذت سلامتی و خوردن آب و نان و معاشرت با همسر و فرزند فرو مانده اند و به انواع بیماری‌های مزمن و دردهای طاقت فرسا و بدبختی گرفتار شده اند از رنج برهاند

و در درمان آنان پیوسته بکوشد. و سلامتی را به آنان بازگرداند. و بداند که اندازه‌ای صواب و نیکی این کار بسیار زیاد است.

۸- اگر پزشکی شرافت حرفه خود را نادیده بگیرد و این فرصت ارزشمند را به پای بهره‌گیری از دنیای فانی گذارده باشد، مانند آن کسی است که یک انباری از گرانبها ترین عودهای خوشبو در خانه دارد؛ اما به جای آنکه آن را اندک اندک و با شکیبایی وزن کند و به بهای خوب بفروشد، با ناشکیبایی و از سر عجله که مبدا وقت بگذرد! این اندوخته‌ی گرانبها را به بهای کمتر و حتی نصف‌بها، حراج کند.

۹- پزشک باید بدون تردید از خودخواهی‌ها دوری گزیند و نفس سرکش را مهار کند و با وجدان بیدار و درستکاری و بدور از ریاکاری و با علاقه و پشتکار در معالجه و درمان بیماران کوشش کافی نماید. ۱۰- پزشک باید بداند اگر برای رضای خداوند و کاستن رنج مردمان بکوشد و پارسایی را پیشه خود سازد، سرانجام درهای روزی و رحمت خداوند بر او گشوده خواهد شد و به بهترین پایه‌ها خواهد رسید. و در هر دو جهان رستگار و کامیاب می‌گردد.

